

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۸ جنوری ۲۰۲۱

مبنای سنتی، اعتقادی و سیاسی "زن کشی" طالب!!

یکشنبه- ۲۸ جدی ۱۳۹۹ - کابل: از جمله صد ها واقعه و ترور خونباری که همه روزه در افغانستان اتفاق می افتد، یکی هم کشتار بیرحمانه دو زن در شهر کابل بود که به ساعت هشت و نیم صبح در سرک دهم قلعه فتح الله خان صورت گرفت. از آن جایی که مقتولین امروز زن و قاضی بودند، در یادداشت امروز خواهیم دید که طالب و بقیه جنایتکاران این عمل وحشیانه و خونبارشان را بر کدام اساس و مبنا استوار ساخته اند:

۱- با شناختی که از طالب و نیروهای همسان آن داریم و این که تعدادی از دانشمندان و نویسندگان پورتال جهت معرفی ماهیت ایدئولوژیک آنها ترکیب گویا و مطابق با ذات آنها یعنی "از گوربرخاستگان تاریخ" را در مورد شان به کار برده اند، کاملاً مسلم است که اکثریت قریب به اتفاق آنها کسانی اند که به هیچ وجه حاضر نیستند، "جنس زن" را در کل و بدون استثناء مساوی به مرد و همتر از آن بدانند.

از نظر اکثریت آنها "جنس زن" فقط برای زیستن در خانه، انجام کار های خانه، پذیرائی جنسی دایمی از مرد خانه و بچه داری می باشد. برای افرادی با چنین طرز تفکر، همین که زن از خانه اش بیرون می شود و می خواهد در جامعه فعالیت داشته، درآمد و معاشی برای خانواده اش داشته باشد، ذات بیرون شدن را توهین به "مردانگی" مرد ها و بدآموزی برای زنان دیگر می دانند.

طرح این نکته مسأله ای نیست که بر طالب بهتان زده شود، بلکه استنتاجی است که از عملکرد طالب حین حاکمیت داروتازیانه اش، در ذهن تک تک باشندگان این مرز و بوم وجود دارد. فکر نمی کنم کسی را بتوان در داخل کشور یافت که در تحت سیطره طالب در داخل زیسته باشد، شاهد زندانی ساختن نصف جامعه یعنی زنان کشور در داخل چهاردیواری های منازل شان نبوده باشد و یا آن را فراموش کرده بتواند.

۲- در ترور جنایتکارانه امروز، آنچه زن کشی مبتنی بر سنن عقب مانده مشتی از گوربرخاسته را متمایز از بقیه ترور ها می سازد، شغل قربانیان جنایت است.

این را می دانیم که بر مبنای برداشت های عده ای از "فقه اسلامی" یکی از مشاغلی که زنان به هیچ وجه حق ندارند داشته باشند شغل قضاوت است. بر مبنای همین برداشت از اسلام، "فقهائ" معتقد به آن مطلقاً اشتغال زنان را به شغل قضاوت رد کرده، احکام صادره از جانب زنان را فاقد اعتبار اجرائی دانسته اند.

در نتیجه وقتی امروز دو زن در یک حمله مسلحانه تروریستی در بخش اشرافی شهر کابل به قتل می رسد، نباید چنین پنداشت که قتل آنها به مانند سایر قتل ها، با انگیزه مبارزه علیه دولت دست نشاندۀ و حذف عمال آن صورت گرفته است. بلکه همه موظفیم خود را با ریشه های واقعی فکری چنین عملی مصروف ساخته، به توده های میلیونی کشور آشکار بسازیم که چرا طالب دست روی زنان کشور بلند می نماید.

۳- وقتی طالب بر مبنای پایه های سنتی و اعتقادی برداشتش به زن حق بیرون شدن از خانه و اشتغال به وظیفه قضاوت را نمی دهد و از سوی دیگر در چانه زنی های رسمی با ایادی رنگارنگ امپریالیسم و ارتجاع، خود را در آستانه تصرف قدرت می بیند، قدرتی که می باید "زن کشی" و "زن آزاری" و "زن ستیزی" در آن مشهود نباشد و حتا ممانعت آنها از اشتغال زنان به امر قضاوت، در پناه "احکام شرعی" کتمان شده باشد، الزماً به این نتیجه رسیده و می رسند که می باید به قلع و قمع زنان به خصوص آنهایی که در خارج منزل وظایفی دارند - آنهم قضاوت که فقها اشتغال بدان را منع نموده اند-، همین اکنون که کسی نمی تواند آنها را پاسخگوی اعمال شان سازد، بپردازند. هموطنان گرامی!

"زن کشی"، "روشنفکر کشی" و قلع و قمع نخبگان فکری و فرهنگی جامعه صرف به منظور مبارزه علیه دولت دست نشاندۀ نیست، بلکه مقدماتیست جهت زدن حریفان و منتقدان احتمالی آینده قبل از رسیدن به حاکمیت.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لایتنمای مبارزه علیه دولت دست نشاندۀ می باشد!

سرکها ما را می طلبند!